

متن پرسش

سلام استاد عزیز . مطالب شما را به دقت از مطالب ویژه پیگیری میکنم و استماع میکنم . هر شب هم حتما در تجمعات حضور دارم ، توصیه رهبر شهید به دعاها و قرآن وو اما مدتیست احساس دلتنگی شدید دارم احساس عقب ماندگی شدید ، میکنم شاید هم به نوعی پوچی نمیدانم . مدیتیشن خیلی دلم گرفته گاهی به این فکر میکنم چاره ای و راهی جز شهادت نیست و نگران مرگ عادی ، از طرفی وقتی میگویند برای حفاظت از خود فلان دعاها خوانده شود ووو اصلا نمیدانم طلبم این روزها چیست با وجود این همه زیبایی و اینکه انگار آسمان به زمین چسبیده اما من خودم را انگار گم کرده ام ، احساس میکنم اینقدر گیر ها دارم که هیچ وقت لایق شهادت در راه خدا نخواهم بود ، کلا احساس بدی نسبت به خودم پیدا کرده ام ، ممنون میشوم راهنمایی فرمایید □□□

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این حالت در جای خود حکایتی است از آن جهت که: «دوست دارد یار این آشفستگی» . و این ماییم و همچنان حاضر بودن در همین صحنه ها از آن جهت که حضور بیکرانۀ او بالاتر از آن نحوه توجه خاص او می باشد که در ابتدای سلوک سالک با آن نحوه خاص با او مأنوس است که این، غیر از آن حیرانی است که در انتها پیش می آید و مواجهۀ سالک است با بیکرانگی حضرت محبوب، و این که «ندانم چه ای، هرچه هستی تویی» . و این همان تقاضای «رَبِّ زَدْنِی تحیرا» می باشد که نبی اکرم «صلوات الله علیه وآله» در طلب هرچه بیشتر آن بودند. و در این دوران و این شب ها در بستر حیرتی بیشتر، چه کسی این دل ها را ماورای رسانه های دشمن در این میدان های شهر هدایت می کند؟ مردمی که در جای خود نقش اسلحه ها را انجام می دهند و با این حضور می دانند که در حال تغییر نقشۀ منطقه هستند. حضور مردمی، چه معجزه هایی پیش آورده و در پیش دارد، امری که امامین انقلاب متوجه آن بودند. باز به پرسش شماره ۴۱۴۱۵ فکر کنید و آن آیه که می فرماید: «لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا» موفق باشید